

فقر دانش اطلاع‌شناسی در حوزه‌های مختلف علوم

در حوزه‌های مختلف علوم موضوعات هسته و مهمی وجود دارند که در کل آن‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: موضوعات تخصصی و موضوعات عمومی. موضوعات تخصصی به موضوع اصلی هر علم برمی‌گردند و کلیت آن تا حدود زیادی برای متخصصان و حتی افراد غیرمتخصص هم مشخص و روشن است، اما موضوعات عمومی شامل یک دسته از موضوعات پراهمیتی هستند که نمی‌توان آن‌ها را در چارچوب یک رشته‌ی خاص محصور و محدود کرد. نمونه‌های زیادی از این مباحث در تمام رشته‌ها وجود دارد که می‌توان مفصل درباره‌ی اهمیت و ارزش آن‌ها صحبت کرد و در این مقاله اندک مجالی برای باز کردن این بحث نیست. در این جا تنها به یکی از این موارد اشاره می‌شود که موضوع مورد نظر این گفتار و بحثی است که به صورت سنتی می‌توان آن را «کتاب‌شناسی» نامید. «کتاب‌شناسی» به خصوص هنگامی نمود پیدا می‌کند که یک حوزه انتشارات، مکتوبات و کتاب داشته باشد. نوشتجات داشته باشد. زمانی که تعداد نوشتارها زیاد می‌شود مدیریت نوشتجات یا دانش مدون و مضبوط در آن حوزه اهمیت پیدا می‌کند و هرچه این تعداد بیشتر می‌شود، این اهمیت نیز فزونی می‌یابد.

در عصر جدید و پس از رنسانس علوم مختلف نمود عینی‌تر و دوباره‌ای پیدا کردند. یکی از این علوم که معمولاً بیشترین تولیدات را داشته و هنوز هم چنین است، علم شیمی است. شواهد نشان می‌دهد که شیمی‌دانان جزء اولین کسانی بودند که در عصر جدید عالمان اطلاعات را به جهان معرفی کردند و بخشی از حوزه‌ی موضوعی خود را مدیریت اطلاعات شیمی قرار دادند. وقتی تولیدات علمی شیمی زیاد شد، برای احتراز از دوباره‌کاری و به اصطلاح برای عدم اختراع دوباره‌ی چرخ، به این نتیجه رسیدند که تولیدات علمی خود را به کنترل درآورند و بر آن نظارت داشته باشند و رفته رفته حوزه‌ی جدیدی در دل حوزه‌ی خود ایجاد کردند که در واقع زیر نظر «عالمان اطلاعات» شیمی‌دان‌ها بود و برای همین، می‌توان تصور کرد که اصطلاح امروزی «علم اطلاعات» از عبارت «عالمان اطلاعات» شیمی‌دان‌ها گرفته شده است. دانشمندان اطلاعاتی شیمی گروهی بودند که دیگر متخصصان شیمی برای حرکت در مرز دانش حوزه‌ی کاری خود، ابتدا از طریق آن‌ها خود را به دانش پیشین مجهز می‌کردند و متون و دستاوردهای قبلی را بررسی می‌کردند. در غیر این صورت تلی از اطلاعات

و نوآوری پشت سر آن‌ها ایجاد می‌شد که نمی‌گذاشت زمینه‌ی حرکت‌های بعدی در تولید دانش و فناوری جدید، بروز و ظهور پیدا کند، یا لاقلاً بسیاری از تلاش‌ها تکراری و بی‌فایده می‌شد.

این انفجار اطلاعات در دنیای امروز نمود عینی‌تری پیدا کرده است. در این میان دسترسی به اطلاعات مرتبط و سودمند در کم‌ترین زمان و فارغ از محدودیت‌های مکانی، زمانی و محلی، امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی متخصصان اطلاعات و اطلاع‌رسانی است و مدیریت اطلاعات موضوعی تخصصی است که امروزه به طور کلی در حوزه‌ی «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» مورد توجه است. حتی گرایش‌هایی هم در این زمینه به وجود آمده است. این رشته در ایران بیشتر در عرصه‌ی علوم انسانی و اجتماعی جای داده شده است؛ هر چند گرایش‌های علوم پایه، مهندسی و چندگرایش دیگر هم ظهور و بروز ضعیفی داشته‌اند. با این وجود، نمونه‌های خوبی هم در این بخش وجود دارد. برای مثال حوزه‌ی پزشکی در ایران در این راستا پیشرو است. و مدیریت اطلاعات سلامت (پزشکی) را به عنوان یکی از رشته‌های زیرمجموعه‌ی دانشکده‌های پیراپزشکی در خود دارد. امروزه دانش کتاب‌شناسی در شکل جدید خود به اطلاع‌رسانی، اطلاع‌شناسی، دانش‌شناسی، «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» و مدیریت اطلاعات و نظام‌های اطلاعاتی تغییر نام داده است، اما محتوا همان است و فقط این مسئله تنوع و عمق و ابعاد بیشتر و به‌روزتری پیدا کرده است.

مشکلی که در این باره وجود دارد این است که هنوز هم بسیاری از افراد و حوزه‌های علمی از اهمیت و چند و چون موضوع مدیریت اطلاعات رشته‌ی خود آگاه نیستند. مراجع و منابع اصلی خود را نمی‌شناسند. با جستجوی اطلاعات مربوط به حوزه‌ی خود در منابع چاپی و به خصوص الکترونیکی و به زبان‌های مختلف به صورت نظام‌مند و روش‌مند آشنا نیستند. در مصاحبه‌ای که از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی ترتیب داده شده بود، افرادی از رشته‌های مختلف، به منظور استخدام در این نهاد شرکت کرده بودند و اینجانب به عنوان یکی از مصاحبه‌کنندگان در این جلسات حضور داشتم. چیزی که برای بنده ناراحت‌کننده بود این نکته بود که تقریباً وجه اشتراک تمامی کارشناسان و شرکت‌کنندگان، بی‌اطلاعی از متون مرجع خود، و نبود نگاه جامع، روش‌مند و نظام‌مند به مدیریت متون و جستجوی اطلاعات و به طور کلی مدیریت اطلاعات رشته‌ی خود بود. ابعاد بحران تا آن جا گسترده بود که حتی این ضعف در خود کتابداران هم وجود داشت. هرچند آن‌ها نسبت به کارشناسان دیگر حوزه‌ها، اطلاعات

بیشتری از جستجو و مدیریت اطلاعات داشتند، اما به اندازه‌ی اهمیت موضوع، در این باره اطلاع نداشتند.

در این راستا سؤالی که پیش می‌آید این است که چرا نظام آموزشی نسبت به یک مسئله‌ی اصلی و مهم به خصوص در یک جهان دانش‌بنیان و یا حداقل پژوهش‌محور، تا این حد غافل است و در این مورد چاره چیست و چه باید کرد؟

هر چند ابعاد این مسئله نیازمند پژوهش و تأمل جدی است، اما در پاسخ به این سؤال و به طور خیلی کوتاه حداقل می‌توان به دو نکته اشاره کرد و آن این که از یک طرف لازم است تا کتابداران قدیم و اطلاع‌شناسان جدید، تخصصی‌تر به نوشتجات، متون، کتاب‌ها و تمامی محمل‌های اطلاعاتی توجه کنند و به طور خاص روی نوشتجات و اطلاعات یک رشته یا موضوع خاص کار کنند و کتاب‌شناس و اطلاع‌شناس یک حوزه‌ی خاص بشوند، تا به صورت کارآمدتری در خدمت علوم و دانش‌های مختلف قرار بگیرند. متأسفانه اکنون بحث جستجوی اطلاعات تخصصی در دروسی مانند مرجع‌شناسی اختصاصی و تخصصی مطرح است که با رویکرد سنتی ارائه می‌شوند. این دروس باید در یک تغییر جهت هدفمند به سوی حوزه‌های خاص حرکت کند و اطلاعات چاپی و الکترونیکی یک موضوع محدود را مدیریت کند. از سوی دیگر متخصصان حوزه‌های مختلف نیز باید بدانند که دانش تخصصی صرف در یک حوزه، در دنیای پیچیده و پویای امروز به تنهایی کارساز و راهگشا نخواهد بود. اساساً کارشناس یک حوزه به همان اندازه که مفاهیم، محتوا و ابزارهای یک موضوع را می‌شناسد باید نسبت به کتاب‌شناسی و اطلاعات آن حوزه هم آگاه باشد. چنانچه منابع و متون و نوشتارها را بشناسد، دیگر نگران نسیان و فراموشی نیست. از این رو، لازم است قبل از هر چیز فلسفه‌ی این کار را درک کند. در عمل هم حداقل طی دو یا چند واحد درسی با مراجع، متون و منابع اطلاعاتی رشته‌ی خود آشنا شود و جستجوی اطلاعات رشته‌ی خود در منابع چاپی و الکترونیکی را یاد بگیرد. اساساً پژوهش در یک موضوع بدون آگاهی از دانش کتاب‌شناسی و اطلاع‌شناسی ناممکن و حداقل ناکافی است.

غلامرضا حیدری